

انشاء الله الرحمن بايد ناس را در كل احيان بشريعہ اھيہ دلالت نمائيد...

حضرت بهاء الله

اصلي فارسي



رقم (28) - من آثار حضرت بهاء الله - كتاب اقتدارات - صفحه 396
- 302

(28)

از يمين عرش نازل

انشاء الله الرحمن بايد ناس را در كل احيان بشريعہ اھيہ دلالت نمائيد کہ شايد بمواعظ حسنه نفوس غافله مريبه
بشطر احدية توجه کنند

يا نبيل قم على خدمة موليك القديم بقلبك و بصرک و سمعک و لسانک و کل ارکانک كذلك امرک من
كان جالسا على قطب البلايا و الرزايا اجعل رجلك من الحديد في امرى و لسانک سيفا ذا فمين في ذكرى و
ثنائى و بصرک ناظرا الى شطرى و قلبک متوجها الى جمالى المشرق المنير قم بين الاخير و الاشرار باسم ربك
العزیز المختار ثم اضرم في قلوبهم نار ذكرى و ثنائى ليزداد به الاول و يتوجه به الآخر كذلك يأمرک سلطان
القدر من هذا المنظر الاكبر ابرء النفوس من داء الغفلة و الهوى باسمى العلى الابهى طوبى لك بما حضر منك ما
نطق به لسان القدم على ذكرک في هذا السجن الذى فيه استقر عرش رحمة ربك العلى العظيم



ORIGINAL

باید برآفت کبری با عباد سلوک فرمائید و بکمال حکمت و عطوفت جمیع را بر شاطی بحر اعظم جمع نمائید بقسمیکه ابداً رائحه اختلاف ما بین احبآء الله مرور ننماید و اگر نفسی غافل شد و محتجب ماند او را بمواعظ و نصائح متذکر دارید لعله یتذکر او یخشی منظور نظر آن باشد که جمیع من علی الارض را در سراق احدیه وارد فرمائید این ایام بعد از ورود سجن اعظم اراده الهیه بآن تعلق یافته که جمیع بریه را بشاطی احدیه مجدداً باعلی الندآء ندا فرماید لذا مخصوص هر نفسی از رؤسای ارض لوحی مخصوص از سمآء مشیت نازل و هر کدام باسمی موسوم الاول بالصیحة و الثانی بالقارعة و الثالث بالحاقة و الرابع بالساهرة و الخامس بالطامة و كذلك بالصاخة و الازفة و الفزع الاکبر و الصور و الناقر و امثالها تا جمیع اهل ارض یقین نمایند و ببصر ظاهر و باطن مشاهده کنند که مالک اسمآء در هر حال غالب بر کل بوده و خواهد بود بلایا و محن سلطان سر و عن را از اظهار امر منع نموده و نخواهد نمود لعمرک فی بحبوحة البلاء من افق السجن اظهرنا الوجه مشرقاً بین العالمین و دعونا الکل الی الله المقتدر العزیز الحکیم و لکن بعد از اشراق این امور محتومه از افق امر مالک بریه جمیع در صدد افتاده اند و یلهثون و رآء ربک ان هم الا فی تبار و امر بغایت شدید شده بشأنیکه از ذکر و بیان خارج از ما یظهر من سلطان القدم قصد و فعل امم معلوم میشود دیگر احتیاج ذکر نیست از اول ابداع تا حال چنین تبلیغی جهرة واقع نشده ظهور قلم و مبشر جمالم دو لوح فرستاده بودند و لکن جز اظهار سیادت و مظلومیت در آن چیزی نبوده نظر بمصلحت اصل امر را ستر فرمودند و فی الحقیقه تبلیغ کامل جهرة نشده بود لذا از مشرق مشیت اشراق شد آنچه لم یزل مراد الله بوده تعالی هذه القدرة التي اشرفت و احاطت العالمین و ظهور این عمل از مالک علل دو اثر بخشیده هم سیوف مشرکین را حدید نموده و هم لسان مقبلین را در ذکر و ثنائش ناطق فرموده اینست اثر آن لواحقی که در لوح هیکل از قبل نازل شده حال ارض حامله مشهود زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعمآء جنیه مشاهده شود تعالت نسمة قیص ربک السبحان قد مرت و احیت طوبی للعارفین و این بسی معلوم و واضح که در این امور سلطان ظهور از برای خود مقصودی نداشته و مع علم بانکه سبب بلایا و علت رزایا و شدت امور خواهد شد محض عنایت و مرحمت و احیای اموات و اظهار امر مالک اسمآء و صفات و نجات من علی الارض از راحت خود چشم پوشیده و حمل نمودیم آنچه را که احدی حمل نموده و نخواهد نمود

یا نبیل لعمری الیوم یوم الاصغآء طوبی لسمع توجه الی الشطر الاعظم قم بسلطانی و امری بین خلقی ثم ذکرهم بما اطلعت من هذا النبأ الذی منه انشقت السماء و اندکت الجبال و ظهر الفزع الاکبر و خسف القمر و ظهرت الزلازل فی القبائل و سقطت النجوم و اظلم نیر الموهوم و غنت الورقآء علی افنان سدرة المنتهی الملک لله ربک و رب العالمین اکتب للذین سکنوا ارض الخلاء ثم ذکرهم بهذا الامر الذی احاط السموات و الارضین و لکن حال ایامی است که باید اصحاب حق باخلاق حق حرکت نمایند و صفات شیطانیه را باخلاق حمیده ربانیه تبدیل کنند لم یزل فساد ممنوع بوده و خواهد بود و در این ظهور اعظم کل امم از فساد ممنوعند ابداً نفسی تعرض بنفسی ننماید و بر محاربه قیام نکند شأن اهل حق خضوع و خشوع و اخلاق حمیده بوده و خواهد بود

دنيا قابل آن نه كه انسان مرتكب امورات قبيحه شود و از مالک احديه بعيد ماند ان الدنيا تضحك على مرديها و تقول باعلى النداء مخاطبا اياهم هل رأى احد مثلكم منى خيرا او فقاء؟ سوف نرجعكم الى التراب خائين خاسرين كما رجعنا الاولين بايد كل بنور هدايت و امانت و تقوى ما بين عباد مضىء و منير باشند تا جميع از آن سرج نورانيه بشاطى بجر احديه اقبال نمايند احفظ ما القينا اليك ثم اتل على الامم باذن ربك مالک القدم لعلهم يدعون الهوى مقبلين الى الله مالک العرش و الثرى كذلك نبئناك و قصصنا لك و القينا عليك و اخبرناك لتفرح و تقول لك الحمد يا من فى قبضتك جبروت الامر و الخلق و فى يمينك ملكوت ملك السموات و الارضين اشكرک بما ذكرتنى فى السجن الاعظم و فصلت لى من كل شىء تفصيلا انک انت ارحم الراحمين و اکرم الاکرمين لك الحمد يا مالک يوم الدين